

همان طور که عرض کردم بنده به مجریان امر اعتماد دارم؛ این را شما بدانید؛ این آقایانی که مشغول کار هستند، اینها افرادی هستند مورد اعتماد ما، من در مورد آنها هیچ تردیدی ندارم؛ در آنچه تا حالا بودند، ان شاء الله بعد از این هم تردیدی به وجود نخواهد آمد؛ هیچ تردیدی نسبت به آنها ندارم. لکن در عین حال جداً دغدغه دارم؛ (دیدار با مداحان ۲۰ فروردین ۹۴)

سوال اصلی که این متن بنا دارد به آن پاسخ دهد همین عبارت است: «مفهوم شناسی واژه اعتماد در بیانات مقام معظم رهبری، ناظر به مواضع ایشان نسبت به تیم مذاکره کننده هسته‌ای»

با نگاه اول به انتظارات رهبری معظم انقلاب از یک سو و از سویی دیگر موضع گیری ها و دست آوردهای تیم مذاکره کننده، آنچه بیش از همه به چشم می‌آید تناقضی آشکار مابین آرای طرفین است؛ حال این سوال مطرح می‌شود که آیا با این سیر حرکتی، (اعتماد به مردان دیپلماسی) نتیجه توافقات هم خوان با انتظارات حضرت آقا خواهد بود؟ اگر اینگونه نباشد آیا ایشان از خواسته‌های خود کوتاه خواهند آمد؟ بهتر است با هم به مرور چند متن کوتاه بپردازیم:

الف- حد غنی سازی و اصل تکنولوژی هسته‌ای

۹۳/۴/۱۶، تهران: طرف مقابل به مرگ گرفته که به تب راضی بشوید. هدف آنها این است که جمهوری اسلامی را در باب ظرفیت غنی‌سازی مثلاً - که یکی از مسائل است - به ۱۰ هزار سو راضی کنند، منتها از ۵۰۰ سو و ۱۰۰۰ سو شروع کرده‌اند، که حدود ۱۰ هزار سو مثلاً محصول حدود ده هزار سانتریفیوژ - همین قدیمی‌هایی که از قبل داشتیم و داریم - است. هدف آنها این است. مسئولین ما میگویند ما به ۱۹۰ هزار سو احتیاج داریم. ممکن است این نیاز مال امسال و دو سال دیگر و پنج سال دیگر نباشد، اما این نیاز قطعی کشور است، خب، باید نیاز کشور تأمین بشود. (دیدار مسئولین نظام)

۹۴/۱/۱۳، لوزان سوئیس: در طول این مدت، تعداد بیش از ۵۰۰۰ ماشین سانتریفیوژ در نظنز به تولید مواد غنی شده در سطح ۳/۶۷ درصد ادامه خواهند داد. ماشین های اضافه بر این تعداد و زیرساخت های مرتبط با آنها جهت جایگزینی با ماشین هایی که در طول این زمان آسیب می بینند جمع آوری و تحت نظارت آژانس نگهداری خواهد شد. (متن تفسیری وزارت امور خارجه از بیانیه لوزان) (۵۰۰۰ سانتریفیوژ تقریباً معادل ۶۰۰۰ سو است)^۱

۹۴/۱/۲۰، تهران: بدانند دستاورد کنونی هسته‌ای ما چیز بالارزشی است؛ این را بدانند؛ به چشم کم‌ارزش و چیز سبک به آن نگاه نکنند؛ چیز با ارزشی است. صنعت هسته‌ای برای یک کشور، یک ضرورت است. ... هم برای انرژی، هم برای داروهای هسته‌ای که بسیار مهم است، هم برای تبدیل آب دریا به آب شیرین، و هم برای بسیاری از نیازهای دیگر در زمینه کشاورزی و غیر کشاورزی. صنعت هسته‌ای در دنیا، یک صنعت پیشرفته است، یک صنعت مهم است؛ (دیدار با مداحان)

ب- لغو یکجای تمام تحریم ها

۹۴/۱/۱۱، مشهد: اینکه آمریکایی‌ها تکرار میکنند که «ما قرارداد با ایران میندیم، بعد نگاه میکنیم ببینیم اگر به قرارداد عمل کردند تحریمها را برمیذاریم» این حرف حرف غلط و غیر قابل قبولی است؛ این را ما قبول نداریم. رفع تحریمها جزو موضوعات مذاکره است، نه نتیجه‌ی مذاکرات؛ آن کسانی که دست‌اندرکار هستند، فرق این دو را بخوبی میفهمند. این یک خدعه‌ی آمریکایی است که میگویند قرارداد میندیم، نگاه میکنیم به رفتارها، بعد تحریمها را برمیذاریم! این جور نیست؛ (حرم مطهر رضوی علیه السلام)

۹۴/۱/۱۳، لوزان: اتحادیه اروپایی، اعمال تحریم های اقتصادی و مالی مرتبط با هسته ای خود را خاتمه خواهد داد و ایالات متحده نیز اجرای تحریم های مالی و اقتصادی ثانویه مرتبط با هسته ای را، همزمان با اجرای تعهدات عمده هسته ای ایران به نحوی که توسط آژانس بین المللی انرژی اتمی راستی آزمایی شود، متوقف خواهد کرد. (بیانیه لوزان)

۹۴/۱/۲۰، تهران: مطلب بعدی که ما به مسئولین گفتیم و به مردم هم عرض میکنیم، این است که در این جزئیات مذاکرات - که خیلی هم این چند ماه آینده مهم است - اتفاقی که باید بیفتد این است که تحریمها به‌طور کامل و یکجا بایستی لغو بشود. ... اگر قرار باشد که لغو تحریمها باز متوقف بشود بر یک فرایند دیگری، پس چرا ما اصلاً مذاکره کردیم؟ اصلاً مذاکره و نشستن پشت میز مذاکره و بحث کردن و بگومگو کردن برای چه بود؟ برای همین بود که تحریمها برداشته بشود؛ این را باز بخواهند متوقف کنند به یک چیز دیگری، اصلاً قابل قبول نیست. (دیدار با مداحان)

ج- تفسیر ناپذیری توافقات

همه‌ی آنچه هم قرارداد بسته میشود بین مسئولین ما و بین طرف مقابل، باید روشن، واضح، غیر قابل تفسیر و تأویل باشد. این جور نباشد که طرف مقابل - که با دبه کردن و چک‌وچانه زدن، کار خود را پیش میبرد - بتواند باز سر قضایای گوناگون، بهانه‌گیری کند، دبه در بیاورد، کارها را مشکل بکند؛ (بیانات در دیدار نیروی هوایی ۱۹ بهمن ۹۳)

در حال حاضر ۳ متن پیرامون این توافق وجود دارد (بیانیه رسمی لوزان، متن تفسیری وزارت خارجه ایران، متن تفسیری وزارت خارجه امریکا) بین این ۳ متن تفاوت‌های جدی وجود دارد و نکته جالب این است که هر سه متن در ساعات پایانی مذاکرات و در یک روز منتشر شده‌اند! و نکته جالب تر این است که دقیقاً همین اتفاق در توافق ژنو نیز رخ داده بود!!

همانگونه که پیداست فرمان اعتماد به تیم مذاکره کننده، ما را به منویات مقام معظم رهبری نرساند، از طرف دیگر ایشان نیز از خواسته خود کوتاه نیامده‌اند! حال سوال اساسی این است: «این چه اعتمادی است که حضرت آقا در لفظ بیان می‌کنند اما در عمل به نتایج آن پایبند نیستند؟!» مگر ممکن است پدری به فرزند خود بگوید: «پسر من به تو اعتماد دارم» (بخوانید حرف و عمل تو را قبول دارم) اما وقتی مواجه می‌شود با عملکرد فرزندش به روشی غیر مستقیم بگوید کار درست فلان و بهمان است؟! آیا در این موقعیت پسرش با خود فکر نمی‌کند که بالاخره پدر به من اعتماد دارد یا ندارد؟! در این حالت قضاوت مردم چه خواهد بود؟ آیا نخواهند گفت این پدر به پسرش اعتمادی ندارد اما برای دلخوشی او می‌گوید من قبولت دارم؟!!

شاید متن زیر به پاسخ این سوال کمک زیادی بکند:

من این را صریحاً به ملت عزیزمان عرض میکنم - قبلاً هم گفتم - من از همه‌ی دولتها در دوران مسئولیت خودم حمایت کردم؛ از این دولت هم حمایت میکنم . هر جا هم لازم باشد تذکر میدهم؛ البته چک سفید امضا هم به کسی نمیده. نگاه میکنم به عملکردها و برحسب عملکردها قضاوت میکنم و به توفیق الهی و به کمک الهی، برحسب عملکردها هم عمل خواهیم کرد. (سخنرانی حرم مطهر رضوی علیه السلام اول فروردین ۹۴)

به نظر می‌رسد باید از معنای لغوی واژه اعتماد عبور کنیم و از این کلمه تفسیری حقوقی داشته باشیم؛ برای فهم بهتر مساله مثالی را مرور می‌کنیم: ممکن است زمانی یک مدیر، دوست صمیمی و همکار قدیمی خودش را برای تنظیم قراردادی پای یک معامله بفرستد، اعضای هیات مدیره در این زمان سوال می‌کنند که آیا شما از این جوان مطمئن؟ مدیر پاسخ می‌دهد بله، «من به ایشان اعتماد دارم»، ایشان فردی متخصص و متعهد است و سالهاست بنده ایشان را می‌شناسم. اما همین مدیر را در شرایطی دیگر ببینیم؛ هیات مدیره یک نفر را به عنوان وکیل و مسئول عقد قرارداد تعیین و به مدیر معرفی می‌کند، مدیر بر اساس تجربه غنی خود اعلام می‌کند که روش این فرد جوان را قبول ندارد و این روش شرکت را دچار ضرر بزرگی خواهد کرد اما با توجه به ساختار حقوقی شرکت مدیر موظف است با وکیل معرفی شده همکاری نماید؛ به نظر شما مدیر عاقل در این صحنه چه تصمیمی می‌گیرد؟ مدیری که به فکر منافع شرکت خودش باشد؟ مدیر در تمامی جلسات خصوصی با وکیل، او را راهنمایی می‌کند، در تمام جلسات هیات مدیره سیاست‌های صحیح عقد قرارداد را یادآوری می‌کند تا هیات مدیره به هوش باشند و کوچکترین انحراف را اصلاح کنند، اما همین مدیر وقتی پای قرارداد می‌رسد یا در جلساتی که با طرف مقابل دارد، از وکیل شرکتش صد در صد حمایت می‌کند و می‌گوید: «من به ایشان اعتماد دارم». این اعتماد نه تصنعی است و نه توهمی، بلکه اعتمادی است واقعی منتها نه به شخصیت حقیقی آقای وکیل بلکه به ماهیت حقوقی ایشان. مدیر با اعتماد به وکیل شرکت در حقیقت به هویت خودش دارد اعتماد میکند. تصور کنید مدیر محترم در جلسه‌ای که خودی و غیر خودی حضور دارند بگوید: «من به ایشان اعتماد ندارم، این آقای وکیل دارد اشتباه میکند» چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا جز این است که ساختار حقوقی شرکت را که مشروعیت مقام مدیریت خودش نیز بر پایه آن است در برابر نامحرمان زیر سوال برده است و علناً اختلافات داخلی را در برابر رقیبی که هر لحظه منتظر فرصتی برای شکست اوست بیان نموده؟! آیا جز این است که وکیل قانونی شرکت را از خود و از منافع شرکت بیشتر دور کرده است و احتمال ضرر دیدن شرکت را بالاتر برده است؟!!

تیم وزارت خارجه یا هر تیم مذاکره کننده دیگر بدلیل قرار گرفتن در ساختار حاکمیت اسلامی و داشتن ماموریت و حکم قانونی از مقام مافوق (یعنی ریاست جمهوری) در جایگاهی حقوقی و شرعی قرار گرفته‌اند، زیرا خود رئیس جمهور مقامی حقوقی و شرعی است؛ لذا مشاهده می‌کنیم که مقام معظم رهبری در حیطه اختیارات آنها دخالت نمی‌کند و اصطلاحاً می‌فرماید «من به آنها اعتماد دارم» اما این اعتماد تا زمانی است که آن بزرگواران از حدود قانونی و شرعی تجاوز نکنند لذا می‌فرمایند «البته چک سفید امضا هم به کسی نمی‌دهم»

جمع بندی و نتیجه گیری

با مرور بیانات مقام معظم رهبری قبل و بعد از توافقات لوزان سوئیس و تطبیق آنها با متن توافق نامه مشخص می‌شود منظور از اعتماد در واژگان مقام معظم رهبری به تیم مذاکره کننده، اعتماد به وجهه شخصی و حقیقی این افراد نیست بلکه اعتماد به وجهه قانونی، شرعی و حقوقی آنان است. لذا تا زمانی که این جایگاه وجود داشته باشد، انتظار خواهیم داشت که اعتماد ایشان پابرجا باشد.

ماحصل این بحث این خواهد بود که اگر امروز حضرت آیت الله خامنه‌ای در منصب ریاست جمهوری قرار داشتند لزوماً همین تیم را برای مذاکره انتخاب نمی‌کردند و واژه اعتمادی که این روزها به دیپلمات‌های کشور اطلاق می‌شود لزوماً به معنای اعتماد به شخص وزیر خارجه و معاونانش نیست، کما اینکه آن روزی که مسئول تیم مذاکره کننده ما حسن روحانی، علی لاریجانی یا سعید جلیلی بودند نیز مورد اعتماد ایشان بودند.

مهزیار اصفهانی مقدم، طلبه مدرسه علمیه معصومیه (س)

فارغ التحصیل دانشگاه صنعتی شریف

۱ اردیبهشت ۱۳۹۴